

ایجاد و گسترش تشکلات مستقل کارگری باید با افزایش کیفیت کارگری و حفظ استقلال از تشکیلات زرد کارگری انجام گیرند

اعتراضات گسترده و روزافزون کارگران در سراسر کشور موجب گشته تا همه اقشار و جناحها را متوجه ابعاد خود نماید که این موضوع بسته به گسترش تشکلات مستقل و یا وابستگی به تشکیلات زرد کارگری می تواند هم دارای نتایج مثبت و هم ضرر غیرقابل جبران را دربر داشته باشد. پیشتر در مقاله " ترکیب کارگران در تشکلات مستقل اهمیت اساسی در ایجاد جنبش کارگری دارد " در مورد افزایش کیفیت کارگری برای ایجاد رهبری تشکلات مستقل بحث گردید و اینکه در پروسه گسترش روشنفکران بنابراین اگر قرار باشد که از پس این اعتراضات. انقلابی باید هوشمندانه این واگذاری را انجام دهند گسترده کارگران، جنبشی شکل گیرد که آینده کشور را ترسیم نماید، باید که از دو جنبه رهبری سوسیال دموکراسی در تشکلات و حفظ فاصله از تشکیلات زرد کارگری بماند دو خطر عمده آگاه باشد. تحقق سوسیالیسم با توجه به تجربه یکصد ساله گذشته بآسانی میسر نخواهد شد و این موضوع ربطی ندارد به اینکه ارزش کارگران بالا برده شده و از اهمیت روشنفکران انقلابی و تاثیر آنها برای انقلاب کاسته گردد. ، مساله اصلی ایجاد نهادهایی است که انقلاب را تداوم بخشند

روشنفکران انقلابی و سوسیال دموکراسی بدلیل مجهز بودن به تئوری چه بصورت دانش مبارزاتی و چه بطور دکماتیک، قادرند براحتی رهبری تشکلات را در دست گرفته و بدلیل خواستگاه طبقاتی جهت حرکت را بسوی انقلاب و یا دیکتاتوری خود سوق دهند. کارگران آگاه باید به دلیل وابستگی اقتصادی که طبقه آنها به سرمایه داران دارند، هوشیار باشند که این وابستگی بدلیل فقدان دانش مبارزاتی منجر به اطاعت تئوریک از روشنفکران انقلابی و سوسیال دموکراسی نگردد. مارکس و انگلس روشنفکران انقلابی بودند که تا پایان عمر تلاش داشتند کشف و دانسته های خود را به کارگران انتقال دهند، زیرا آگاه بودند که تنها ترکیب دانش مبارزاتی با رهبری کارگران توانایی تحقق بخشیدن به سوسیالیسم را دارد. بحث کاهش ارزش روشنفکران انقلابی و یا اهمیت دادن به کارگران نیست، چه روشنفکر انقلابی بدون طبقه کارگر همچون دانشمند بدون آزمایشگاهی را می ماند که هیچ تحولی در اثبات قانونمندیها و دانشش نمی تواند انجام دهد و وجود کارگران خود تحقق استثمار بوده و بدون دانش مجبور به استثمار شدن است، بنابراین موضوع خیلی ساده و روشن است اینکه ترکیب آنان با رهبری کارگران توانایی انجام انقلاب را دارد.

در سالهای ۵۶ و ۵۷ که تئوری چریکهای فدایی با وجود همه جانفشانیها نتوانست جز تعدادی از اقشار متوسط را جذب نماید در ادامه برای ایجاد جنبش کارگری به بن بست رسید، بتدریج خطوط فکری دیگری بنامهای خط ۳ و ۴ و ۵ برای عملی کردن ترکیب تئوری و پراتیک شکل گرفتند. خطوط ۳ و ۴ که تحت رهبری بخشی از سوسیال دموکراسی بودند، چون خود را کمونیست و پرولتاریا می دانستند، گمان می کردند که با جذب و رهبری کردن بخشی از کارگران به ایجاد حزب کمونیست موفق می گردند که اهمیت فیزیکی کارگران در که تفکر آنها نیز طی سالهای ۵۷ تا ۶۰ به بن بست رسید! در خط ۵ رهبری تشکل الویت داشت و لذا انتقال تئوری به آنها موضوع اصلی بود، خواستگاه و وابستگی سوسیال دموکراسی و کارگران آگاه تشکیلات نادیده گرفته شد و در ادامه آنها نیز تنها خود را پرولتاریا دانسته و سایرین را طرد می کردند تا اینکه همچون همه نیروهای سیاسی سرکوب گردیدند. عمده کردن تئوری توسط همه خطوط فکری در مراحل ابتدایی سازماندهی کارگران و اختلافات ناشی از منیتها، منجر به

دشمنی شدید آنها با یکدیگر گردید که این ستیز با طبقه حاکم و سرمایه دار چنان حاد نبود . در حالیکه پرولتاریا در پروسه پیچیده و طولانی شکل می گیرد تا با پشت سر گذاشتن عادات و اخلاق ناشی از جامعه طبقاتی که نه فرهنگ کارگری است و نه فرهنگ روشنفکر انقلابی ، انسانهایی واجد شرایط با فرهنگ سوسیالیستی ساخته شوند .

برخی از سوسیال دموکراسی و حتی آگاهان و فعالین کارگری نه با تکیه بر پراتیک و بلکه با فاکت آوردن از آثار مارکس و لنین و با توجه به زندگی بظاهر انقلابی به این باور می رسند که خود به پرولتار و کمونیست تبدیل شده و این بیگانگی از پراتیک طبقه منجر به آن می شود که تنها خود و گروهشان را انقلابی دانسته و سایرین را جدا از مبارزه طبقاتی بدانند . درست است که لنین با تکیه بر حزب واقعی بلشویک به انقلاب سوسیالیستی توفیق یافت ، در حالیکه روزا لوکزامبورگ نتوانست از انحراف حزب در آلمان توسط کائوتسکی جلوگیری کند ، اما دموکراسی درون حزبی که رزا بر لنین و سانتالیسم حزب بلشویکی نقد داشت ، بی پایه نبود که منجر به قدرت یابی استالین و آن کشتار برای تثبیت قدرت مرکزیت گشت ! باید از تجربه انقلابات و شکستهای آنها درس گرفت و درک نمود که پروسه تحول به سوسیالیسم آسان نبوده و هرگونه تغییر و تحول باید با تکیه بر دانش مبارزه طبقاتی و پراتیک درون طبقه صورت برخی گمان می برند پس از انقلاب فرهنگ سوسیالیستی بسرعت در میان افراد رواج می یابد ؛ . گیرد چنانچه تجارب انقلاب در شوروی و چین به چنین تحولی منجر نگردید ، در حالیکه باید که کمیتهها به کیفیت جدید تغییر یابند تا انقلاب صورت گیرد و لذا برابری زن و مرد ، برابری فرهنگ قومی ، درک آزادی و دموکراسی ، حذف لمپنیسم و سرانجام اخلاق پرولتاری باید در پروسه تشکیل حزب و نهادهای قدرتمند طبقه کارگر حداقل برای اعضای آنها مادیت یابد .

اخیرا مصاحبه جالبی بین یک فعال اتحادیه کارگری کانادا بنام سم گندین و محمد رضا شالگونی منتشر گردید که نشان می داد این فرد با وجود کار سندیکایی دارای اطلاعات ارزشمندی از کارگران کشور کانادا و برخی دیگر از کشورها دارد . وی که به سوسیالیسم باور دارد به سوالات با توجه به دانسته های خود جواب داده و اهمیت کار خود و اینکه راهی دراز در پیش دارند را آگاهست ، گرچه بدلیل عدم شناخت و فقدان کار عملی و نبود اطلاعات قادر به شناخت ویژگی مبارزات کارگران ایران و دیکتاتوری موجود نبوده و به این موضوع نیز اعتراف می نماید . دلیل شناخت این فرد از موقعیت کارگران کانادا و کشورهایی که کار کرده ، تنها و تنها بکار درون طبقه وی مربوط بوده و شناختی که از طبقه سرمایه دار آن کشورها دارد بخاطر استفاده از منابع بوده است و آیا این موضوع از نظر سوسیال دموکراسی و چپ ایران که از راه دور رساله نوشته و دستور صادر می کنند نیز صادق است ! در ایران امکان کار اتحادیه های کارگری تنها از نوع وابسته مشابه خانه های کارگر و شوراهای اسلامی امکان پذیر است و سندیکاهای مستقلی همچون شرکت واحد و هفت تپه شدیداً سرکوب می گردند . در ایران حتی سندیکای مستقل که خواست اقتصادی کارگران را پیگیری می کند بدلیل سرکوب ، سیاسی می گردد و نمایندگان به زندان و اخراج محکوم می شوند تا روشن شود که کار سندیکایی نیز باید در ادامه به نهادهای سیاسی تبدیل گردد تا شکل رفرمیستی نگیرد .

مصاحبه جالب دیگری از حمید تقوایی در مورد پیشرویها و جایگاه جنبش کارگری در شرایط حاضر منتشر گشته که درک بخشی از چپ ایران را در مورد جنبش کارگری که وجود ندارد ، نشان می دهد . زمانیکه اینهمه اعتراضات کارگری به تشکلی مستقل تبدیل نمی گردد ، وی از یک توفان انقلابی و نقش تعیین کننده طبقه کارگر سخن می گوید و ادامه می دهد که رهبری کارگری بر انقلاب باید توسط حزب طبقه کارگر متحقق شود ! برای برداشتن قدمهایی بجلو ایشان می گوید ؛ بنظر من فعالین کارگری و دست اندرکاران و رهبران عملی جنبش کارگری باید حول سیاستها ، پرچم و خط حزب کمونیست کارگری گرد بیایند ، متشکل بشوند ، برنامه و سیاستها و اهداف حزب را بر میان طبقه ببرند و در جامعه جاری کنند ! نه

تنها جمهوری اسلامی باید برکنار شود بلکه برکل نظام استثمارگر سرمایه داری در ایران باید نقطه پایان گذاشت و این در گرو هرچه بیشتر سیاسی شدن و بخصوص حزب و حزبیت در جنبش کارگری است و حزب ما به سهم خودش تمام کوشش خود را بکار می برد تا جنبش کارگری در این جهت قدمهای بزرگی بجلو بردارد! بنابر نقطه نظر ایشان حزب کمونیست کارگری که با زحمت تشکیل شده و موجود هست، حال باید دیگران زحمت کشیده و کارگران را حول سیاستهای حزب حرکت دهند، گرچه آنها نیز به سهم خود کوشش می کنند و این نمونه ای از تفاوت اندیشه ها در کشورهای مختلف است.

روشنفکر انقلابی بخشی از سوسیال دموکراسی هستند که آگاهانه نقش آموزگاران را دارند که با تدریس به شاگردان که کارگران باشند خود نیز رشد می یابند، آموزگاران که همه آنچه یاد گرفته اند را انتقال می دهند تا آموزگاران دیگری ایجاد گشته و بتوانند خیل عظیم و میلیونی کارگران را آموزش دهند. آن بخش از سوسیال دموکراسی که همچنان بر منیت خود و گروهشان تکیه داشته و جهان را حول محور خود تصور می کنند، تفاوت چندانی با مسولان فعلی نظام جمهوری اسلامی که چنین تصویری دارند، نداشته و دیگر نقش روشنفکران انقلابی را نخواهند داشت. روشنفکر انقلابی کسی است که ضمن انتقال دانش مبارزاتی به کارگران، آنتاگونیسم طبقاتی کارگران را گرفته و خود را ارتقا می بخشد و چون آگاهست که در پروسه تشکیل نهادهای مستقل کارگران باید رهبری را به آنها واگذار کند تا انقلاب تحقق یابد، با وجدانی آگاه و فرهنگی هوشیارانه به چنین کاری مبادرت می ورزد. بحث کارگر کارگر و یا روشنفکر انقلابی نیست که برخی با تکیه بر آن، پراتیک را ندیده می گیرند، مساله اصلی اینستکه ترکیب آنتاگونیسم نهفته در کارگران با دانش مبارزه طبقاتی تا به آخر پایدار می ماند.

این موضوع کاملا در مبارزه اقتصادی کارگران روشن است، چه کارگر می داند مزد بیشتر، مزایا، بیمه و سایر موارد به سرمایه دار و در نهایت به دولت بستگی دارد و لذا تلاش دارد تا زندگی روزانه خود را از طریق مبارزات اقتصادی و صنفی افزایش دهد. حتی کارگران با توجه به منافع یکسان خود؛ نه از نظر کمیتی بلکه از این زاویه که گرفتن حق و حقوق آنها به توافق سرمایه دار بستگی دارد، به این نتیجه می رسند که باید بکمک یکدیگر و فشار وارده این مبارزه را تداوم بخشند. بنابراین ایجاد سندیکا در یک واحد صنعتی یا خدماتی و یا یک صنف با کمک کارگران آن واحد و یا صنف انجام می گیرد و نیازی به روشنفکران انقلابی و یا سوسیال دموکراسی برای ایجاد چنین تشکلی نیست و بهمین دلیل بیشتر نمایندگان سندیکاها و اصناف از کارگران باسابقه و شناخته شده تشکیل می شوند. اما تشکلات مستقل دیگری در اشکال کانون، اتحادیه آزاد، کمیته های مختلف و برخی نامهای دیگر که در درون واحدهای صنعتی و یا خدماتی شکل نگرفته اند، اعضایش می توانند از مجموعه ای از سوسیال دموکراسی، روشنفکران انقلابی، فعالین کارگری و کارگری باشند که لذا امر واگذاری تدریجی رهبری به کارگران در این نهادها بسیار مهم است. هرچند وجود برخی از سوسیال دموکراسی و یا فعالین کارگری که حتی تن به کارگری می دهند، سرعت ایجاد تشکل را بالا می برد، اما بدلیل آنکه آنها خواهان انقلابند و لذا تلاش دارند تا سریعاً صورت مساله را از خواست اقتصادی به خواست سیاسی تغییر دهند، اکثراً موجب بهم پاشیدگی سندیکا و اختلافات ایدئولوژیکی بین گروههای سیاسی و کارگران نیز می گردند! طبیعی است که برای انقلاب خواست اقتصادی و صنفی باید به سیاسی تغییر کند، اما این موضوع نه به تغییر ذهن سوسیال دموکراسی و بلکه به پروسه تدریجی مبارزات کارگران بستگی دارد تا مادیت سوسیالیستی اعضای تشکلات کارگری شکل گیرند.

کارگران آگاه در پروسه مبارزات اقتصادی به کارگران قدرت تشکل مستقل را آموزش داده و با کمک آنها موفق به تشکیل سندیکا و یا صنف در واحد مربوط به خود و یا صنف مربوطه می گردند. بتدریج در مبارزات اقتصادی کارگران می آموزند که با وجود پیروزیهای اندک در مقابل شکستهای بسیار، بدلیل ترندهای حداقل حقوق و قانون کاری که تنها از امنیت سرمایه و سود سرمایه داران حفاظت می

کند و با توجه به بحران اقتصادی و فساد مدیریتی و موارد دیگری که به آن طبقه مربوط می‌گردد، آن پیروزیها خفیف و بی اثر می‌گردند. در مبارزات روزمره اقتصادی است که کارگران می‌فهمند، دولت خود بزرگترین سرمایه دار بوده و از طبقه خود حمایت کامل دارد و لذا بتدریج کارگران درگیر مبارزه با دولت می‌گردند، نامه‌نگاریهای اخیر کارگران به مسولان دولتی و مجلسی و تجمع آنها در مقابل دفاتر استانداریها، رییس جمهوری و مجلس نشانه ارتقای مبارزات اقتصادی است. رسیدن کارگران به این مرحله از مبارزه نیاز به تغییر کیفی در حرکت آنها دارد و اینجاست که نقش روشنفکران انقلابی و فعالین کارگری در تغییر خواست اقتصادی به خواست سیاسی با انتقال دانش مبارزاتی به کارگران آگاه، روشن می‌گردد.

طبیعی است که در این پروسه مبارزاتی مشکلاتی عمده و اساسی درون طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار مطرح است و هرکدام در تلاشند تا دیگری را به شکست وادار نمایند. طبقه سرمایه دار برای درهم شکستن کارگران ابزار متعددی در دست دارد از جمله؛ حکومت و دولت با داشتن قدرتهای سیاسی، اجتماعی، سیاسی و نظامی، استفاده از دانش روز و زور، قانون اساسی و قانون کار، ایجاد بوروکراسی برای حفظ قدرت، نیروهای انتظامی و سپاهی، بسیجی و لباس شخصی، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی، هماهنگی کامل سرمایه داران با یکدیگر و دولت برای تثبیت حداقلها برای کارگران، موارد فراوانند و سرانجام باید از بافتهای تشکیلات زرد کارگری چه ایجاد شده توسط سرمایه داران و چه توسط دولت و جناحهای سیاسی یاد نمود. موارد روشن هستند و با استفاده از آنها تشکلات مستقل کارگران و حق اعتصاب که در قوانین بین المللی مجاز شناخته شده اند با دیکتاتوری صرف سرکوب می‌گردند و در عوض قوانین کار به اصطلاح آنها اصلاح و در واقع به ضرر کارگران تغییر می‌کند تا بیمه بسیاری از واحدها اختیاری شده و قراردادهای موقت جایگزین قراردادهای رسمی گشته و کودکان کار به همراه زنان کارگر با حقوق بمراتب کمتری با توجه به در خطر بودن از نظر جنسی و اعتیاد در خدمت سرمایه داران قرار می‌گیرند.

ماههای اخیر مسولان خانه های کارگر با برگزاری کنگره ها در شهرستانهای مختلف، انتقاد از سیاست دولت، انتقاد از مرتضوی سرپرست تامین اجتماعی که به مافیای رییس جمهور و خامنه ای وابستگی دارد، استیضاح وزیر کار، بازدید از بیمارستانها و اماکن ورزشی، برگزاری سمینارها و موارد دیگر بسیار فعال شده و قصد دارند در آینده نقش پررنگتری در سیاست بازی کنند که امید است فعالین کارگری فریب قدرت ظاهری آنها را نخورند. در همین راستا دو تشکیلات زرد کارگری کانون عالی شورای اسلامی کار و مجمع عالی نمایندگان کارگران برای انجام مناظره ابراز آمادگی کرده اند، آنها می‌گویند که در قانون کار دو کانون عالی تحت عنوان کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور و کانون عالی انجمنهای صنفی کارگری و یک مجمع نمایندگان کارگران وجود دارد که نمایندگان رسمی کارگران محسوب می‌شوند. علی بیگی مسولی از این تشکیلات وابسته گفته اگر می‌خواهیم به دنبال مطالبات کارگری باشیم حتما باید با کاندیداهای ریاست جمهوری؛ که اولین شاخصه مهمش التزام به ولایت فقیه بوده و خودش را سرباز رهبری و ولایت بداند، و نمایندگان مجلس همکاری و همراهی داشته باشیم و وی ادامه داده که در خصوص اصلاح قانون کار ۱۴ جلسه مفید دوجانبه با کارگران و کارفرمایان برگزار شده است. بنابراین نظر چنین مسولانی کاملا روشن است که چه تشکیلاتی را رسمی و قانونی شناخته و چگونه در یک تراژدی تقلیدوار از سه جانبه گرایی اتحادیه های غربی با نمایندگان دولت و میخوانند! حداقل نتایج مذاکرات (سرمایه داران به نتایجی دست می‌یابند که آنرا مفید (بحال چه کسانی؟ اتحادیه های غربی با نمایندگان دولت و سرمایه داران روشن بوده و زیر حرفشان نمی‌زنند، درحالیکه این نمایندگان تحمیلی کارگران اکنون قبول نمی‌کنند که دستاورد قانون کار فعلی از نتایج مفید مذاکرات آنها در سالهای پیش بوده است. شاید بتوان گفت که حداکثر تلاش آنها تثبیت قانون کار مصوب گذشته

است که بر قراردادهای موقت صحنه گذاشته و شرایط حداقل حقوق، بیمه، حق تشکل مستقل و حق اعتصاب و موارد دیگر بمانند گذشته تغییر نکرده و پس از انتخابات و تثبیت مجدداً شرایط و قوانین به ضرر کارگران تصویب خواهد گردید.

مسولان جهت قانونی جلوه دادن سه جانبه گرایی در داخل و امور بین المللی، انواع تشکیلات زرد کاری و رنگارنگ ایجاد می نمایند تا ضمن هماهنگی با سرمایه داران برای عدم ایجاد تشکل مستقل، به همه بفهمانند که قانون کار حاکم بوده و چون این تشکیلات روابط محکمی با کارفرمایان و نمایندگان سرمایه داران و همچنین دولت و نیروهای انتظامی دارند، باید که کارگران ناآگاه را جذب نمایند. این مسولان زرد کاری که در تمام دوران نظام سرمایه داری، چه سلطنت سابق، چه جمهوری اسلامی و چه هر نظام دیگر سرمایه داری که بخواهد توسط اصلاحات و کمک قدرتهای بزرگ جایگزین گردد، آنها همواره دارای امکانات خوب برای جلب کارگران ناآگاه و سایر اقشار وجود داشته و خواهند داشت غیرکاری هستند، هیچگاه مشکل امکانات مالی و جا ندارند، در حالیکه نمایندگان تشکلات مستقل هیچکدام از امکانات را نداشته و در صورت اخراج و زندانی شدن، خانواده آنها نیز بدون نان آور باقی می ماند. تثبیت قوانین کار و تغییرات آنها، تصویب حداقل حقوق و موارد دیگر همه بکمک آنها قانونی شده و برای کارگران ناآگاه نقش دایه مهربانتر از مادر را بازی می کنند و مهمتر از همه آنکه تلاش دارند کارگران را با وجود دور نگاه داشتن از امور سیاسی، در جنگ جناحی سیاسی و انتخابات فعال نموده تا وظیفه خود را به کسانی که پشتیبان آنها هستند، ادا نمایند.

چنانچه گفته شد اگر ترکیب آنتاگونیسم کاری با دانش مبارزاتی با رهبری کارگران در پروسه انقلاب صورت نگیرد، روشنفکران انقلابی نخواهند توانست در صورتی که انقلاب هم تحقق یابد با وجدان کاری از انحراف جلوگیری کنند و طبعاً با گرفتن قدرت پس از انقلاب امر واگذاری نیز غیرممکن خواهد شد، چراکه تداوم انقلاب به پروسه انقلاب مربوط می گردد. اشتباه و انحراف دومی که ممکن است در پروسه سازماندهی کارگران پیش آید، تصویری است که فعالین کاری و برخی از کارگران بدلیل مشکلات ایجاد تشکل و وجود سرکوب به آن تمایل پیدا می کنند که قادرند در جنگ سیاسی جناحی با کمک تشکیلات زرد کاری شرکت کرده و به ایجاد تشکل مستقل کاری دست زنند. تجارب موضوع اول گفته شده شکست انقلابات سوسیالیستی در جهان است که امروزه زندگی کارگران در آن کشورها به فاجعه تبدیل شده است، بطوریکه مثلاً شرکت بین المللی ایل تحت فشار سازمانهای حقوق بشری قرارداد خود را با یکی از تولید کنندگان چینی بدلیل استفاده از کار کودکان و شرایط سخت زندگی کارگران بهم زده است که تراژدی و واقعیت دردناکی است که باید باور کرد. طبق خبر منتشر شده در یکی از شرکتهای چینی با ادعای نظام سوسیالیستی بیش از ۷۴ مورد استفاده از کارگران کم سن و سال در محیط کار گزارش شده که یک کمپانی کاربایی آنها را با جعل کارت شناسایی به کارخانه فرستاده است و شرکت ایل که همواره چنین مسائل را در کارخانه های زیر پوشش خود دارد، قول داده تا ضمن بازرسی و نظارت قویتر محیطهای کاری را بهتر کرده و به غذا و خواب آنها بیشتر توجه کند. در مورد موضوع دوم گفته شده نیز تفکر سوسیال دموکراسی مبنی بر تقویت جنبش دموکراتیک و مرحله گذار دموکراتیکی، موجب می گردد تا کارگران را از طریق تشکیلات وابسته به طرفداری از یک جناح بر علیه جناح دیگر حکومتی وارد دعوی سیاسی نماید، گرچه پس از خاتمه تفاوتی نمی کند که کدام جناح و یا ترکیبی از آنها به قدرت برسند، بلافاصله اگر تشکل مستقلی هم ایجاد شده و یا در حال شکل گیری تا ۶۰ و سالهای ۸۲ تا ۸۸ نمونه های باشد، شدت آنها را سرکوب می کنند که تجربه تلخ سالهای ۵۷ بسیار هشدار دهنده ای هستند.

بنابراین تنها راه کارگران آگاه و فعالین کاری و روشنفکران انقلابی ایجاد تشکلات مستقل کارگران و نهادهای قدرتمندی است که قادر باشند جلوی سرکوب مقاومت کرده و خود را با پراتیک درون

اعتراضات وسیع طبقه کارگر ایران تکثیر نمایند ، آزمون است که این نهادهای قدرتمند توانایی مذاکره و برخورد با جناح‌بندیهای سایر اقشار را خواهند داشت . اخبار فراوان کارگری منتشر شده در ایلنا و برخی دیگر از خبرگزاریهای دولتی و جناحی ، به‌مراه انتشار وسیع این اخبار توسط سایتهای اصلاح طلبان از جمله کلمه و دیگران ، نشان دهنده سرمایه‌گذاریهای مفتی است که آنها برای کارگران بعنوان پیاده نظام جنگ جناحی انجام می‌دهند . متأسفانه تعداد تشکلات مستقل کارگری و فعالین بسیار محدود و اعضای آن بشدت تحت کنترل نیروهای امنیتی و انتظامی قرار دارند ، اما آنها باید ضمن افزایش ترکیب کارگری خود و تحت کنترل گرفتن اعضای غیرکارگری و حتی کسانی که برای کار سیاسی به کارگری روی آورده‌اند ، کیفیت تشکل کارگری خود را بالا برده و تلاش کنند که برای آزادی فعالیت خود فریب‌ترندها و قولهای تشکیلات زرد کارگری وابسته به خانه‌های کارگر ، ایلنا و بطور کلی تشکیلات وابسته به رفسنجانی و اصلاح طلبان و یا اصولگرایان را نخورند . جنبشهای دموکراتیک همواره فریب جناح بندی‌های طبقه سرمایه‌دار را خورده و شکست اکثر آنها پس از قدرت گرفتن جناحهای جدید بدلیل همین موضوع فقدان نهادهای قدرتمند آنها برای گرفتن قدرت بوده و خواهد بود ، لذا نباید با سراب کمک تشکیلات زرد کارگری برای ایجاد نهادهای مستقل و یا گرفتن مجوز ، وارد جنگ جناحی طبقه حاکم گردید .

اینروزها سالروز کشته‌شدگان کارگران شهر بابک خاتون آباد است که ۱۰ سال از آن واقعه تأسف بار گذشته و همچنین ۴۰ روز از کشته‌شدن کارگران یال شمالی طبس نیز می‌گذرد که یاد همگی آنها گرامی باد ، اما آنچه کارگران را از چنین حوادثی مصون می‌دارد ، ایجاد تشکلات مستقل آنهاست که باید بجای سوگواری مدنظر قرار گیرد . اخبار خوبی از همدردی کارگران و فعالین سنندجی در مورد برگزاری مراسم یادبود کشتار کارگران خاتون آباد و دیدار از رضا شهبانی و فرزند بهنام ابراهیم زاده بگوش می‌رسد ، موارد این چنینی قوت قلبی برای کارگران مبارز برای تداوم حرکتشان است ، اما همانطور که گفته شد اگر این همدردیها به تشکل تبدیل نگردد مشکلات کارگران ادامه خواهند داشت . اصولاً کارگران آگاه استان کردستان و بویژه سنندج توانسته‌اند مبارزه طبقاتی کارگران خود را در میان احزاب باسابقه کردی که بیشتر پرچم قوم‌گرایی و آلترناتیو سازی را بدست گرفته‌اند ، روشنی بخشند ، اما اخراجهای متعدد کارگران و دستگیری فعالان نشان از فقدان تعداد کافی نهادهای قدرتمند کارگری در استان است . البته آنها باید حاشیه‌های موجود را کنترل کرده و به وحدت کارگران بیشتر تکیه کنند چراکه بدون ایجاد تشکلات مستقل در واحدهای کارگری و وحدت آنها با سایر تشکلات مستقل در سایر استانها برای تداوم مبارزه طبقاتی در کشور ، امکان پیروزی نیست .

اینروزها سالروز اعتصاب دوم رانندگان اتوبوسرانی شرکت واحد تهران و حومه نیز هست که شرحش در پیوست گذاشته شده و بدلیل تاثیر بدون تردید آنها در بسیاری از حرکتهای کارگری ، انتظار می‌رود که هیات مدیره سندیکا به ابهامات مربوط به منصور اسالو با روشی که شایسته وی است ، جواب دهد تا ضمن بالا بردن اعتبار خود و منصور اسالو فرصت یکه تازی تعدادی سوسیال دموکرات که بجای نقد درست ، قلم تهمت و تخریب و زیر سوال بردن سندیکا را در دست گرفته‌اند ببندد و مهمتر آنکه لطمه ای به گسترش سازماندهی کارگران نخورد . آنچه اهمیت داشته و دارد استقامت و پایداری همه اعضای هیات مدیره سندیکا و تن ندادن به درخواست نیروهای امنیتی و مسولان هستند که توانسته همچنان اعتبار آنها را نزد کارگران شرکت واحد و بسیاری از کارگران سایر واحدهای تولیدی و خدماتی حفظ نماید . باید تلاش گردد تا با حسن نیت به این موضوع برخورد نموده و باوجود کاستیهای برخورد در اطلاعیه ، کوتاه بودن آنرا مبنی بر آن دانست که هیات مدیره سندیکا نخواست سروسدای زیادی بپا کند . باید به این دوستان فرصت داد تا با فروکش کردن هیجان اضافی برخی سیاسیون به کارهای مهم گسترش جنبش کارگری ، بررسی گزارش منتشر شده توسط اسالو ، برنامه‌هایی که درپیش دارند و بویژه پیگیری

درخواست جدید خود را اندگان شرکت واحد باشند که در جریان است. آنها چون اعلام کرده اند که نماینده ای در خارج کشور ندارند دست هرکسی که بخواهد خود را نماینده سندیکا معرفی نماید را بسته اند، اما لازمست که با استفاده از سایت خود و دیگر سایتها برنامه های خود را عالم نمایند. در خارج کشور نیز به منصور اسالو بستگی دارد تا با تداوم مبارزاتی که وی را سمبل سندیکا نمود، صدایی برای کارگران ایران باشد و بتواند حمایت بین المللی بیشتری را نسبت به کارگران ایران کسب کند.

در همین هفته گذشته ضمن گسترش تعدادی اعتراض کارگری، تجمع کارگرانبازنشسته صندوق تامین اجتماعی در مقابل مجلس تجمع کرده که خواهان افزایش حقوق خود شدند بنسبت تورم سرسام آور شدند و دولت را مسول این مسائل دانستند. باز هم در همین هفته ۳۰۰ کارگر به نمایندگی هزاران کارگر مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه با ۱۹ دستگاه اتوبوس و مینی بوس در این شرایط مادی سخت به تعداد دیگری از نمایندگان هزاران کارگر نی بر کشت و صنعت کارون که از چند روز پیش مقابل دفتر رییس جمهوری تجمع کرده اند، پیوسته و خواهان رسیدگی به پرداخت منظم حقوق، اجرای قانون بازنشستگی، حل مسائل بیمه و محسوب شدن جزو مشاغل سخت و زیان آور و دیگر موارد شدند. آیا با شعار ۵ برابر کردن یارانه توسط احمدینژاد، این تجمع و شعار نشان دهنده فهم سیاسی کارگران نیست و اینکه چه اندازه آمادگی ایجاد تشکل مستقل را دارند و اینکه چه حجم کار مقابل کارگران آگاه و فعالین وجود دارد؟ مساله اینستکه کارد به استخوان کارگران رسیده و این حرکتهای خودجوش که طبعاً تحت تاثیر کارگران آگاه نیز هست باید به تشکلاتی مستقل و نیرومند تبدیل گردد تا دولت و مسولان را وادار به تامین خواسته های کارگران نمایند، چراکه با وجود چند روز تجمع هنوز مسولی به سراغ آنها نرفته است! تنها در صورت ایجاد نهادهای قدرتمند کارگری است که مسولان مجبور می شوند به خواسته های کارگران توجه کنند و حتی اگر این روزها خانه های کارگر و سایر تشکیلات وابسته که مدعی نفوذ در کارگران هستند، بدلیل درگیری جناحی کمکی به کارگران بنمایند، تنها وجود تشکلات مستقل است که قادر است ترفندهای آنها را بر ملا کرده و جلوی جذب کارگران توسط آنها را بگیرند و تسلیم تاکتیکهای آنها نگردند. اگر برخی از کارگران هنوز توهمی در مورد دولت و تشکیلات زرد کارگری دارند، کارگران دو مجتمع کشت و صنعت خوزستان با تجربه ایجاد سندیکای هفت تپه چنین توهمی نداشته و ضمن نشان داشتن تاثیر سندیکای پیشین، آمادگی کاملی در ایجاد و گسترش تشکل مستقل دارند. کارگران واحدهای کوچک همچون کفاش، پیراهن دوز، مکانیک و جوشکار، ساختمانی، ریخته گری، چاپ گر، نانوا بهمراه سایر شغلها و کارگران بسیاری از کارگاههای کوچک و پراکنده که گاه در اصناف جمع می گردند نیز بدلیل بیکاری گسترده آمادگی کاملی در برگزاری تجمعات و اعتراضات دارند.

از دیگر اعتراضات کارگری در این هفته تجمع اعتراضی ۶۰۰ کارگر پتروشیمی بندر امام در مقابل فرمانداری ماهشهر برای رسمی شدن بود که نشاندهنده فضای آماده برای بهم پیوستن کارگران پیمانکاریهای سایر پتروشیمی ها و حتی پالایشگاههای نفت و گاز است، تجمع کارگران قند و تصفیه شکر اهواز بهمراه خانواده هایشان مقابل استانداری اهواز برای بازپرداخت ۲۵ ماه حقوق عقب افتاده در حالیکه احمدینژاد در یک شوی تبلیغاتی کارخانه جدید و نیمه کاره شکر را افتتاح می کند، ادامه ی تجمعات کارگران اخراجی شرکت جهاد نصر کردستان، اعتراض جمعی از کارگران واحد تولیدی قارچ سینا به عدم پرداخت بخشی از حقوق و سایر مطالبات پس از تعطیلی دوسال کارخانه و مشکلات بازنشستگی، اعتراض ۴۰۰ کارگر پیمانکاری شرکت ترابر سبز که زیر نظر راه آهن فعالیت میکند نسبت به عدم تسویه حساب پیمانکار قبلی با کارگران و عدم پرداخت ۲ ماه حقوق از طرف پیمانکار فعلی، تجمع اعتراضی کارگران شرکت صنایع غذایی فلات کوه رنگ شهر کیان در چهارمحال و بختیاری بدلیل عدم پرداخت بموقع حقوق و اخراج بی رویه، درخواست ۳ ماه حقوق عقب مانده موجب دست از

کار کشیدن ۸۰۰ کارگر شرکتهای پیمانکاری ساحل سازان و عمران ذوبان و ایمن سازه از مجموعه شرکتهای پیمانکاری فراساحل از زیر مجموعه های شرکت بزرگ صدرا گردید که دارای تخصص در ساخت کشتی و سکوهای نفتی دریایی است ، اعتراضات پیشین کارگران در واحدهای مختلف بدلیل باقی ماندن مشکلات همچنان ادامه داشته و کانون صنفی معلمان نیز نامه اعتراضی در مورد وضعیت معیشتی و اقتصادی خود نوشته اند و لازم به توضیح است که چند معلم بدلیل پشتیبانی از کارگران هنوز در زندان هستند . شاید بتوان گفت تنها اعتراض کارگری که خانه کارگر از آن حمایت می کند مربوط به گروه انتخاب است که کارگران با هماهنگی و اجازه برای چندمین بار جلوی سفارت کره جنوبی تجمع کرده اند تا شرکت دوو الکتریک را وادار به بازپرداخت مطالبات این مجموعه بنمایند . اینکه چرا محبوب این مهره کلیدی نظام به پشتیبانی مستقیم این شرکت پرداخته و با ارسال نامه ای به سفیر کره جنوبی نسبت به عملکرد دولت این کشور در توقیف دارایی گروه صنعتی انتخاب اعتراض کرده و این اقدام را موجب بیکاری ۱۵۰۰ کارگر دانسته است و تهدید کرده که تجمع کارگری در کل کشور برپا خواهد کرد ، باید از کرامات این مهره منتسب به کارگری رژیم دانست ! البته ایشان نه چنین توانی دارد و نه در مقابل رژیم چنین جراتی بخود می دهد ، اما باید پرسید پس چرا از نیروی خود برای آزادی کارگران زندانی ، جلوگیری از اخراج کارگران و بازپرداخت حقوق عقب افتاده آنها ، بالا بردن حداقل حقوق به بالای سقف خط فقر ، لغو قراردادهای موقت ، برابری حقوق کارگران زن و مرد و عدم استفاده از کودکان کار ، پشتیبانی اعتراضات و تجمعات سایر کارگران و موارد بیشمار دیگر نمی کند

اعتراض کارگری مهم دیگر درخواست مجوز برای تجمع قانونی کارگران مقابل وزارت کار تهران است که پس از بی جواب ماندن از طرف وزیر کار و تحصن مقابل مجلس برای خواسته هایی که در طومار امضا شده توسط ۳۰،۰۰۰ کارگر عنوان شده ، توسط تشکلات مستقل اقدام شده است . درخواست رسمی که به استانداری تهران تحویل شده از مهمترین خواسته کارگران که تعیین حداقل حقوق بر مبنای هزینه ها می باشد ، مسولان و نیروهای انتظامی و امنیتی را در مقابل دوراهی قرار می دهد ؛ اگر قبول کنند که از مسولان تشکیلات زرد کارگری خواهند خواست تا تجمع را کنترل نمایند و اگر قبول نکنند که بنظر چنین راهی را انتخاب خواهند کرد چون از هر تجمعی وحشت دارند ، نه تنها مشت تشکیلات زرد کارگری باز می شود ، بلکه کارگران نیز نباید مایوس گشته و تلاش کنند تا چنین تجمعاتی از طرف کارگران واحدهای تعطیل شده و یا آنهایی که مشکل پرداخت حقوق دارند ، صورت گیرد . اهمیت کارگران آگاه و فعالین در اینستکه استقلال خود را از تشکیلات وابسته حفظ کرده و کاری نکنند تا زحمت کشیده شده آنها برای جمع آوری امضاها به کیسه این مهره های رژیم برود . روشن است که سران نظام از آینده اعتراضات کارگری هراس داشته و برای همین درصدد اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها بوده و میون تومان برای برخی از کالاهای در ضمن بفرکرد تجدید ارائه کوپن با اسم کارت اعتباری بمبلغ ۱،۵ اساسی هستند تا واردات بی کیفیت دولتی و سرمایه داران وابسته را بهر قیمتی تنها کمی پایینتر از نرخ کار تبلیغی بدون . بازار به کارگران و سایر اقشار بدهند تا مقداری از جو اعتراضی در پیش را بکاهند

آرم گروههای سیاسی برای نشان دادن اعتراضات کارگران سراسر کشور با انتشار وسیع در واحدهای صنعتی و محله های کارگری خواهد توانست ، وحدت کارگران را در اعتراضات و تجمعات هماهنگ بالا برده و در این پروسه به کارگران بفهماند که چگونه دولت سد اصلی خواسته های کارگران است . به امید گسترش و سازماندهی تشکلات مستقل کارگری با هرچه بیشتر ترکیب کارگری و فاصله گرفتن از تشکیلات وابسته جناحی از درون اعتراضات گسترده کارگران تا سرانجام با ایجاد نهادهای قدرتمند کارگری ، جنبش کارگری شکل گیرد

<http://news.gooya.com/politics/archives/2012/09/147911.php>
<http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=48656>
<http://asre-nou.net/php/view.php?objnr=25168>
<http://radiokoocheh.com/article/193214>
http://www.azadi-b.com/J/2012/11/post_200.html
<http://www.hafteh.de/?p=30013>
http://www.syndicavahed.asia/index.php?option=com_content&task=view&id=403&Itemid=10
http://kanoonmodafean1.blogspot.ca/2013/01/blog-post_28.html
<http://www.etehadyh.com/?page=news&nid=2766>
http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=1257:1391-11-07-18-17-11&catid=10:1389-12-23-23-55-18&Itemid=26
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=41771>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=41824>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=41920>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=41714>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=41448>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=41323>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=41117>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=41065>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=41024>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=40758>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=40628>
<http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=40387>